

اصل ماجرا

شبکه برق آمریکادر آستانه فروپاشی

تصور کنید یک روز تابستانی، دما بالای ۴۰ درجه است و در خانه برق قطع می‌شود. با کولرهای خاموش شده و قطع اینترنت، زندگی شهری عملاً مختل می‌شود. اشتباه نکنید درباره ایران صحبت نمی‌کنیم؛ شبکه برق آمریکا در آستانه بحرانی بی‌سابقه است.

یک نگاه به اعداد کافی است تا آمریکایی‌ها را به هراس بیندازد: بیش از ۵۵ درصد ترانسفورماتورهای این کشور فرسوده‌اند، ۷۰ درصد خطوط انتقال برق بیش از ۲۵ سال عمر دارند و هر ترانسفورماتور جدید به‌طور متوسط ۱۳سال زمان می‌برد تا نصب شود. در همین حال، موج‌های گرمای مکرر و توفان‌های شدید، تجهیزات را فرسوده‌تر و آسیب‌پذیرتر می‌کنند و حملات سایبری مرتبط با هوش مصنوعی هم که جای خود دارد. گذشته از همه اینها، تقاضای برق به‌شدت افزایش یافته است؛ بازگشت صنایع به خاک آمریکا، افزایش خودروهای برقی و نیاز مراکز داده فشار روی شبکه برق را دوچندان کرده است. تجربه سال‌های گذشته از جمله خاموشی‌های سال ۲۰۲۵ در تگزاس نشان می‌دهد که شبکه برق دیگر تاب مقاومت ندارد.

به گزارش شورای اتلانتیک، کارشناسان هشدار داده‌اند که اگر سرمایه‌گذاری فوری روی تاب‌آوری شبکه صورت نگیرد، آمریکایی‌ها باید خود را برای قطعی‌های طولانی‌تر و ناپایداری شبکه برق آماده کنند.

میخ آخر بر تابوت ۱۰ ساله

سال ۹۴ روحانی در نامه‌ای به رهبری، «پایان موفقیت‌آمیز و عزتمندانه» مذاکرات را تبریک گفت. رهبری از تیم مذاکره‌کننده تشکر کرد اما همان‌جا نوشت: «باید مراقب نقض عهد طرف مقابل بود» و تأکید کرد این کشورها قابل اعتماد نیستند.

نتیجه چه شد؟ اوپاما همان ابتدا دسترسی ایران به عایدات برجام را اسد کرد. رئیس‌بانک مرکزی گفت: «تقریباً هیچ نصب‌مان شدم». بعد ترامپ یک‌طرفه خارج شد؛ اتفاقی که طرف غیرمکن می‌دانست. اروپا وعده اینستکس داد؛ توخالی درآمد، روحانی خودش گفت: «به هیچ دردی نمی‌خورد».

یک دهه زمان، سرمایه و امید ملت، در جاده‌ای صرف شد که از ابتدا رهبر انقلاب گفته بود پایان ندارد. و امروز اسنپک، میخ آخر بر تابوت برجام است؛ روایی که برای مردم «هیچ» نداشت، جز یک تجربه تلخ اما درس‌آموز؛ اعتماد به غرب، اشتباهی تکرارنشدنی است.

توافق ریاض – اسلام‌آباد؛ دردسر یا راه‌حل؟

شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان و محمدبن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، اواخر هفته گذشته در ریاض، پیمان دفاع متقابل راهبردی را امضا کردند؛ توافقی که در بحبوحه حمله رژیم صهیونیستی به دوحه و تنش‌های تازه میان هند و پاکستان، اهمیت ژئوپلیتیک بالایی دارد. طبق این پیمان، هر گونه تجاوز به یکی، تجاوز به دیگری محسوب می‌شود، همکاری‌های نظامی، آموزشی و تولیدات دفاعی مشترک رسمیت پیدا می‌کند و احتمال اعزام نیروهای پاکستانی به عربستان افزایش می‌یابد. روابط تاریخی ۲۳کشور نیز نشان می‌دهد این پیوند تازه نیست؛ عربستان از سال ۱۹۴۷ پاکستان را به رسمیت شناخته، پیمان دوستی ۱۹۵۱ را امضا کردند و از دهه ۶۰ تاکنون هزاران نظامی سعودی توسط پاکستان آموزش دیده‌اند.

با این حال، منطقه پیچیده است؛ حمله اخیر صهیونیست‌ها به دوحه، تنش‌های هند و پاکستان و کاهش اعتماد عربستان به حمایت‌های امنیتی آمریکا، هم فرصت و هم ریسک این توافق را بیشتر کرده‌اند. اکنون پرسش اصلی این است که آیا این پیمان، بازدارندگی مشترک را تقویت می‌کند یا اسلام‌آباد و ریاض را وارد منازعات تازه‌ای خواهد کرد؟

از حماس چه خبر؟

بیش از دو سال است آمریکا و اسرائیل تمام‌قد به یک گروه کوچک به نام حماس حمله کرده‌اند. اما این گروه هنوز ایستاده و اراده‌اش را تحمیل می‌کند. دیروز نیویورک تایمز نوشت: «حماس زخمی اما شکست‌ناپذیر است.» شاخه نظامی‌اش در غزه ۱۵ هزار نیرو دارد که در قالب سلول‌های چریکی، با حملات ضربتی و خروج سریع می‌جنگند. بیانه حماس هم روشن بود: «ار نشی» از استشهادهای‌ها و هزاران کمین آماده است.» تحلیل‌گران می‌گویند ناپسودی حماس سال‌ها زمان می‌خواهد. اما نکته مهم‌تر این است: حماس حتی با نتایج محدود می‌تواند چگونه دولت اسرائیل را زیر فشار داخلی ببرد و انزوای جهانی‌اش را تشدید کند. قلمطهانه‌های سازمان ملل، تهدید اسپانیا به تحریم ورزشی و اعتراض‌های جهانی نمونه‌ای از این انزواست. قدرت امنیتی حماس هم بی‌سابقه است؛ از شکار جاسوس‌ها تا نگه داشتن اسرا. اما شگفتی اصلی جای دیگری است؛ پشتوانه مردمی. تمام غزه، با همه فشارها، هنوز پای حماس ایستاده است.

خبرهایی که نمی‌بینید

← **جلوگیری از حضور صهیونیست‌ها در نمایشگاه ایتالیا**

مقامات شهر ریمینی در ایتالیا تصمیم گرفته‌اند از حضور شرکت‌کنندگان اسرائیلی در یک نمایشگاه بین‌المللی گردشگری جلوگیری کنند. گفته شده است که این تصمیم به‌دلیل ادامه جنگ در نوار غزه و وقوع جنایات انسانی از سوی صهیونیست‌ها اتخاذ شده است. / روزنامه عبری‌زبان یسرائیل هیوم

دعوت به مقاومت

دبیر کل حزب‌الله از عربستان سعودی خواست با آغاز گفت‌وگوها، صفحه جدیدی با مقاومت لبنان باز کند



محمدعلی حسن‌نیا | روزنامه‌نگار | عربستان گزارش

اختلاف گذشته با مقاومت را کنار بگذارد، سلاح مقاومت به سمت اسرائیل است؛ نه لبنان و ریاض. این بخشی از صحبت‌های شیخ نعیم قاسم، دبیر کل حزب‌الله لبنان بود. ریاض سال‌هاست که پای خود را به‌صورت خودخواسته از سیاست در لبنان کنار کشیده است.

آمریکا به دنبال چیست؟

واشنگتن از سال‌ها قبل قصد داشت که موضوع خلع سلاح مقاومت در لبنان را اجرا کند، اما به دلایل مختلف موفق به این کار نشده. اکنون تام‌باراک، نماینده آمریکا در پرونده لبنان و سوریه و همچنین اروتگاس، معاون ویتکوف در امور خاورمیانه با فشار به دولت لبنان قصد جدی برای خلع سلاح حزب‌الله را دارند.

عربستان چه می‌خواهد؟

ریاض در یک‌سال اخیر و بعد از تحولات لبنان و قبیل قطننامه ۱۷۰۱سعی کرد «پروژه سیاسی» خود را در لبنان اجرا کند. ابتدا سراغ ریاست‌جمهوری رفت و با همکاری آمریکا جوزف عون را به‌بعدا فرستاد و بعد با کنار زدن نجیب میقاتی و بقیه رقبای توانست نواف سلام را به سرای الحکومه بفرستد.

البته ریاض یک معادله در لبنان را نادیده گرفت. اگر در لبنان نتوانی بازبگر مثیتی باشی، قطعاً می‌توانی به یک بازیگر مخرب تبدیل شوی. کاری که ایران و حزب‌الله لبنان بارها به سعودی تذکر دادند و در سفر آخر علی لاریجانی به ریاض بر سر آن بحث و تبادل نظر شد.

گفت‌وگو تنها راه؟

ایران در چند روز اخیر حامی طرح گفت‌وگوهای سازنده برای حل اختلاف بین طرفین در گیر در لبنان است. ریاض اکنون سردمدار مخالفان حزب‌الله و مقاومت در منطقه حساب می‌شود. سعودی‌ها نوعی هماهنگی بین مخالفان حزب‌الله لبنان از جمله کتائب، قوای البنائیه، المستقبل و برخی جریانات دیگر سیاسی در لبنان را بر عهده دارند.

طرح توافق یمنی برای لبنان

ایران راه میانه را انتخاب و پیشنهاد کرده است؛ راهی شبیه همان مسیر «نصارالله» در یمن. روزی بن‌سلمان آرزو داشت که حوثی‌ها در یمن را یک‌ماهه نابود کند و بر صنعا مسلط شود، اما این کار ۸سال طول کشید و در آخر ناموفق هم بود و نقطه پایانی او توافق با حوثی‌ها شد.

در یمن هم بعد از توافق ایران و عربستان در چین توافقی بین حوثی‌ها و عربستان صورت گرفت. در آن زمان، نماینده تام‌الاختیار دربار سعودی با سفر به یمن با مهدی المشاط، رئیس شورای عالی سیاسی یمن دیدار کرد و توافق نهایی صورت گرفت و از سال ۲۰۲۳تاکنون آتش‌بس کامل برقرار شده است.

البته این عقب‌نشینی سعودی‌ها علت اساسی داشت. اهل سنت این کشور در چنددهه نقش ریاض را در سیاست لبنان مؤثر و مثبت نمی‌دانستند. از سوی دیگر سعد حریری، نخست‌وزیر اسبق لبنان کارنامه موفق‌ی در دولت‌سازی در این کشور نداشت و به همین علت بود که «تشرین الأول» در این کشور بروز کرد و باعث سقوط دولت شد.

گذشت زمان به سود تل‌آویو و واشنگتن نیست

واشنگتن بارها مواضع و عصبانیت و ناراحتی خود را از عدم خلع سلاح حزب‌الله اعلام کرده است. باراک، نماینده آمریکا در لبنان مردم خاورمیانه را حیوان خطاب کرد و اورنگاس، زن تندروی صهیونیست شکست تلاش‌های مسالمت‌آمیز



سفر یزید به لبنان!

لبنان می‌تواند وقت بخرد، فرایند بازسازی خود را تکمیل کند و برای جنگ آتی با اسرائیل آماده شود.

از سوی دیگر مخالفان مسیحی تندروا اهل سنت حزب‌الله هم کمی آتش از ورز، نمایندگان و سفیران دیدار خواهد کرد. هدف از این سفر یگیری و مشورت است. احتمالات از دیدارهای سیاسی وی با سران حزب‌الله نیز حکایت دارد.

در یمن هم بعد از توافق ایران و عربستان در چین توافقی بین حوثی‌ها و عربستان صورت گرفت. در آن زمان، نماینده تام‌الاختیار دربار سعودی با سفر به یمن با مهدی المشاط، رئیس شورای عالی سیاسی یمن دیدار کرد و توافق نهایی صورت گرفت و از سال ۲۰۲۳تاکنون آتش‌بس کامل برقرار شده است.

ابتدا اینکه حزب‌الله از زیر فشار داخلی برای خلع سلاح بیرون می‌آید و عربستان در فشار عملی عقب‌نشینی می‌کند.

نکته بعد آنکه با این موضوع مقاومت

سفر لاریجانی به بیروت

علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران ماه قبل سفری مهم به بیروت داشت و با سران ۳قوه این کشور دیدار و گفت‌وگوهای مهمی کرد. دیدار دیگر او با دبیر کل حزب‌الله لبنان بود که می‌توان آن را نقشه راه جدید ایران در منطقه دانست. بلافاصله بعد از این دیدارها مواضع مقاومت لبنان به‌صورت واضح بیان شد که به هیچ عنوان تا تحقق کامل شروط مردم لبنان هیچ سلاچی تحویل نخواهد شد.